

افغانستان آزاد - آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۱۷ اگست ۲۰۲۳

شرکاء و نوکران داخلی امریکا در احیای مجدد طالب!

(۲)

چهارشنبه - ۲۵ اسد ۱۴۰۲ - کابل:

۳- افراد پراکنده در داخل و خارج از افغانستان به شمول جواسیس تکنوکرات

این طیف را سه بخش مجزا از هم می ساخت.

* - شبه روشنفکرانی که از سالها در غرب و تعدادی هم در کشورهای همسایه زندگانی نموده، در تمام سالهای بعد از کودتای خونبار ثور ۱۳۵۷ تا آنزمان با تعقیب سیاست "هستی هستم" و یا "ما ملک ها را کجا می برید" علی رغم کمیت بزرگ شان، نقش منفعلی در تمام روابط داشتند؛

* - جم غفیری از بقایای بیروکراسی دورانهای گذشته که هر چند خود هیچ گونه نقش مبارزاتی سالم و تعیین کننده ای در طول دو دهه بعد از فاجعه ثور ۱۳۵۷ نداشتند، مگر از یک سو مورد تکیه امپریالیسم و نوچه های منطقه ئی آن بودند و از جانب دیگر، موقف طبقاتی نسبتاً برجسته آنها در طول سالها یک نوع اعتبار کذائی بین مردم برای شان به وجود آورده بود؛

* - جواسیس تکنوکرات که بر مبنای روابط استخباراتی نزدیک و تگاتنگ شان با یکی از نهاد های استخباراتی - امنیتی جهان و منطقه از قماش "خلیلزاد ها، کرزی ها، غنی احمدزی ها، جلالی ها" و ... علی رغم تعداد معدود، مگر در تعیین سیاست های امپریالیستی می توانستند دست بالا داشته باشند.

۴- توده های میلیونی کشور.

این طیف چه آنهایی که در داخل مانده بودند و چه آن عده که به دو کشور پاکستان و ایران جهت حفظ حیات خودشان و خانواده هایشان پناه برده بودند، علی رغم آن که بیشتر از ۹۵ درصد مجموع نفوس آن روزی کشور را تشکیل می دادند و در طول سالهای مقاومت علیه اشغالگران روسی و نوکران شان و داعیان اسلام سیاسی بیشترین تلفات و ضربات را متحمل شده بودند، از یک جانب به دلیل خیانت ها و جفاهائی که از جانب داعیان اسلام سیاسی دیده بودند و از طرف دیگر فشار روز افزون اقتصادی و مبارزه به خاطر سیر کردن شکم زن و اولاد، خلاف سالهای آغازین مبارزه علیه حاکمیت مزدوران خلقی- پرچی و اشغالگران روسی به نحوی در یک یأس و ناامیدی به سر برده، با آن نیروی

تاریخسازی که حین اشغال افغانستان به وسیله شوروی از خود تبارز داده بودند، می شود گفت فاصله گرفته، با تعقیب سیاست "هر که خر شود ما پالانش خواهیم شد" منفعلانه به دنبال حوادث روان بودند.

زد و بندهای درونی نیروها حین تجاوز امریکا بر افغانستان:

با در نظر داشت این که جهادی ها ابزاری بودند علیه اتحاد جماهیر شوروی و عمده وظیفه آنها در ستراتیژی منطقه ئی امپریالیسم امریکا و ناتو، ایجاد مانع مقابل پیشروی های شوروی به طرف جنوب هندوکش و فرا تر از آن دیورند بود و با فروپاشی شوروی، آن ابزار دفاعی دیگر کهنه و بیکاره شده بود و غرب به خصوص کشور های امپریالیستی متشکل در ناتو جهت پیشبرد سیاست های تهاجمی شان بر بقایای شوروی و به خصوص روسیه، در همکاری نزدیک با ارتجاع منطقه به ویژه پاکستان و عربستان سعودی، "تحریک طالبان" را به مثابه لگام گسیخته ترین بخش اسلام سیاسی به وجود آورده بودند و می خواستند به وسیله آنها به جای نقش دفاعی جهادی ها، نقش تهاجمی طالب و نهاد های تروریستی همراه و نزدیک به آن را ارجحیت ببخشند، در حالی که خود با تمام قدرت می کوشیدند تا این نیروی جدید را بر گرده مردم افغانستان سوار نمایند، متوجه عملکرد رقبای دور و نزدیک جهانی و منطقه ئی شان نیز بودند.

در همین زمان است یعنی در آستانه ماه های تجاوز امپریالیسم امریکا بر افغانستان، که با میانجیگری ایران، روسیه و هند، نیروهای پراکنده و حتا دشمن طیف اول یعنی "آحاد اسلام سیاسی" اعم از "جمعیت اسلام" و "حزب وحدت" که جنایاتی چون "فاجعه افشار" بین شان رخ داده بود همراه با "اتحاد اسلامی سیاف" که دستان شان تا مرفق به خون خلق هزاره آغشته بود، با قسمت هائی از طیف دوم یعنی بقایای خلق و پرچم و ملیشه ها نزدیک شده با ایجاد ائتلاف شمال، علی رغم آن که در آنزمان روسیه "یلتسین" نه می خواست و نه می توانست مخالف اراده غرب کاری کند، شاید هم به خاطر افزایش سهمی در معاملات دیگری، میدان جنگ با طالب را از طریق حفظ یکی دو ولایت شمال افغانستان داغ نگه دارند.

در چنین فضائیتیست که امپریالیسم امریکا و شرکاء تصمیم می گیرند تا بر افغانستان حمله و آن را اشغال نمایند. اما خود می دانند که در این حمله، نه تنها نباید ابزاری را که جهت پیشبرد ستراتیژی ناتو در آسیای میانه و تمام خاک شوروی ساخته اند عجالاً از قدرت به زیر کشند، بلکه با اتخاذ سیاست های مشخصی فضاء را چنان عیار سازند که وقتی در آینده خواسته باشند افغانستان را به این نوکران دهان دریده شان واپس دهند هیچ رقیبی هم در عرصه سیاسی و نظامی برای شان نمانده باشد.

غرب جهت رسیدن به این اهداف سیاست های مشخصی را در زمینه نظامی، سیاسی، فرهنگ و اداری رویدست گرفت که در قسمت بعد این نگاشته توجهی به آنها خواهیم نمود.

ادامه دارد

با شعار مرگ بر طالب و نابود باد نظام ماسالار به نبرد مان ادامه دهیم!

مبارزه علیه امپریالیسم، جزء لاینفک مبارزه علیه ارتجاع در کل

و ارتجاع هار مذهبی- طالبی به صورت خاص می باشد

تشکل و تسلیح نیاز و خواست زمان ما!